

## قانون تجارت

### باب سوم

### شرکت های تجاری

### فصل اول

نموده شرکتی برای خرید و فروش اوراق تشکیل دهند یا مربوط بامور غیر تجاری است مثل اینکه چند نفری با یکدیگر اشتراك مساعی نموده قانونی برای ورزش تأسیس نمایند .

در اشتراك مساعی لازم نیست که همه يك نوع و از طریق خاصی بذل مساعی کنند و مسکن است كمك با انواع مختلفه بدل آید یعنی بعضی بوسیله سرمایه فنی و برخی دیگر بوسیله سرمایه نقدی مساعدت نموده از نتایج نقدینه که از اشتراك مساعی آنها حاصل میگردد بهره مند شوند مثل اینکه چند نفری که یکی از آنها مهندس

دیگری منشی سومی مدیر و چهارمی تاجر سرمایه دار برای تأسیس شرکت مهندسی اشتراك مساعی نمایند و هر يك بوسیله سرمایه فنی خود بشركت مزبور كمك کرده و طبق قرارداد منافع عاید شده را بالسویه بین خود تقسیم نمایند قسمت اخیر الذکر که مربوط باشترك مساعی به منظور بهره برداری یا زیان است موضوع شرکت های تجاری را تشکیل میدهد

با استفاده از مفاد مندرجات فوق يك شرکت تجاری را میتوان باین نحو تشریح نمود که عبارت از يك نوع اشتراك مساعی است بین دو یا چند نفر برای انجام امری بمنظور سود یا زیان

در جمله اخیر الذکر بطوریکه ملاحظه می شود گفته شده بمنظور سود یا زیان - بیان مزبور در وجه اول زننده بنظر میرسد که چطور مسکن است اشتراك مساعی بمنظور زیان باشد ولی باید همیشه در نظر داشت که اگر عدد مشترک با انجام امر تجاری مبادرت ورزند گو این که اقدام بان یا نیت بهره برداری و انتفاع است از احتمال ضرر و زیان نیز نمی توان غافل بود گذشته از آن چون طبق مقررات قانون مدنی ماده ۵۷۵ شرکاء در

اگر بامور جامعه با نظری عمیق بنگریم مشاهده خواهیم کرد که اعمال افراد آن بطوری پیوسته و مربوط یکدیگر است که بعضی اوقات تفکیک آنها بهیچوجه امکان پذیر نیست و می بینیم که پیشرفت جامعه منوط و مربوط باشترك مساعی مساعدت و مساعدت افراد آنجامه نسبت یکدیگر است

مثل اینکه اگر من خواسته باشم بنائی برپا کنم محتاج مساعدت و كمك يك عده از طبقات مختلفه جامعه عبارت از معمار - نقشه کش - کوره یز - کارگر - بناء سنگ تراش - نجار - آهنگر و رنگرز میباشم - یعنی بدون همراهی این طبقه اشخاص هر قدر هم من پول داشته باشم نمیتوانم بشخصه آن بنا را بسازم

پس دريك چنین موردی من با وجود نقدینه خود يك عده از طبقات مردم مساعدت میکنم و در عوض آنها با سرمایه فنی خود بمن كمك میکنند و من در نتیجه سرمایه فنی آنها و وجود نقدینه خودم دارای يك شیئی یا ملکی میشوم که طبق مقررات عرف و عادت و قانون میتوانم بشنهایی از آن استفاده کنم

ولی گاه اتفاق میافتد که این اشتراك مساعی بمنظور انجام عمل خاصی ابراز و کایه اشخاصیکه بوسیله سرمایه فنی یا نقدی در انجام آن عمل دخالت داشته از نتایج آن بالسویه و یا نسبت بسرمایه که بمصرف رسیده منتفع یا متضرر می شوند .

انجام اعمال خاصه با مربوط بامور تجاری است مثل اینکه چند نفری با یکدیگر مساعدت و همراهی

که عبارت از اطلاعات و اعتبارات تجارتهی او است با آن توام می نماید و فواید حاصله از این دو سرمایه بین آنها بنحوی که برخلاف مقررات قانون نباشد تقسیم میشود.

۴ - شرکت و آن بر دو قسم است:

الف - شرکت حقوقی .

ب - شرکت تجارتهی .

ماده ۵۷۱ قانون مدنی شرکت را بطور کلی باین نحو بیان میکند که شرکت عبارت است از اجتماع حقوق مالکین متعدد در شیئی واحدی بنحو اشاء اما قانون تجارت برای شرکت تجارتهی تعریفی قائل نشده است . ولی میتوان آنرا باین نحو تعریف نمود که شرکت تجارتهی عبارت است از رابطه موجوده بین اشخاصی که بقصد انتفاع یا تحمل ضرر مشترک با انجام معاملات مبادرت می ورزند .

وجه افتراق شرکت تجارتهی با شرکت حقوقی از لحاظ نوع معاملات آنها است چه نوع معاملات و موضوع شرکت تجارتهی باید تجاری باشد بنابراین اگر عده بقصد انجام امور و معاملات تجارتهی شرکتی ایجاد کنند شرکت آنها تجارتهی شناخته خواهد شد و تابع مقررات قانون تجارت خواهد بود ولی هر گاه منظور شرکاء اقدام بمعاملات تجارتهی نباشد شرکت آنها حقوقی خواهد بود مثل این که چند نفری برای گذراندن ایام تابستان باغی را در بیلاق مشاعا خریداری نمایند

### ایجاد شرکت

طبق قانون مدنی شرکت بدو طریق ایجاد میشود:

۱ - اختیاری

۲ - قهری

شرکت اختیاری نیز بدو نحو حاصل میشود .

الف - در نتیجه عقدی از عقود

ب - در نتیجه عمل شرکاء

ماده ۵۷۳ قانون مدنی شرکت اختیاری را که در نتیجه عمل شرکاء حاصل میشود باین نحو تشریح نموده

ضرر نیز سهم هستند اشخاص باید هم انتظار سود و هم انتظار زیان از نتایج اشتراك مساعی خود داشته باشند مضافاً باینکه اگر شرکتی بمنظور سود و تحمل زیان مبادرت بانجام امور نماید شرکت تجارتهی نخواهد بود و در عداد شرکتتهائی محسوب میشود که برای امور عام الصفحه تشکیل میگردد یا شرکتتهای ادبی که ممکن است جنبه فح داشته ولی فاقد احتمال زیان باشد

اشترك مساعی ممکن است با انواع و اقسام مختلفه بعمل آید و قانون هم برای حفظ حقوق اشخاصی که در انجام امری بنحوی از انحاء بایکدیگر شرکت می نمایند مقررات خاصی برای هر امری وضع نموده است .

بنابراین طبق مقررات جاریه کشوری نتایج حاصله از اشتراك مساعی اشخاص داخل در یکی از موارد مفصله ذیل خواهد بود

۱ - مزارعه - موقعیکه اشخاص با سرمایه غیر نقدی در امور زراعتی بایکدیگر کمک نموده حاصل اشتراك مساعی خود را بین یکدیگر قسمت نمایند آنرا مزارعه گویند .

مثل اینکه شخصی زمینی را بیک یا چند نفر دیگر مشترکاً بدهد که آنرا زراعت کرده و منافع حاصله را بین یکدیگر تقسیم کنند

۲ - مساقاة - زمانی حاصل میشود که شخص اشجار خود را در مقابل حصه مشاع معین از نمره بهاملی میدهد

در مساقاة مثل مزارعه سرمایه نقدی بین شرکاء موجود نیست منتها احد آنها با سرمایه ملکی خود و سایرین با سرمایه عملی خود اشتراك مساعی نموده منفعی که از آن بدست میاید بین یکدیگر تقسیم میکنند

۳ - مضاربه - زمانی واقع میشود که احد متعاملین سرمایه میدهد با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود آن شریک باشد

در مضاربه بطوریکه ملاحظه میشود احد متعاملین سرمایه نقدی میدهد و طرف دیگر سرمایه فنی خود را

او شناخته شده و اگر احياناً اشخاص باعتبار نام او با شرکت معامله کنند شريك مزبور خواهی نخواهی جنبه ضمانت ضمنی نسبت بکلیه اشخاصی که با شرکت باعتبار نام او داد و ستد کرده اند پیدا کرده و مسئولیت او در مقابل آنها محدود نخواهد بود و هرگاه مسئولیت احد شرکاء در شرکت سهامی محدود نباشد نمیتوان آنرا شرکت سهامی نامید.

راجع بانتهاب اسم شرکت شرکاء یا مؤسسين شرکت سهامی کاملاً آزاد هستند ولی از این آزادی نباید سوء استفاده شود یعنی اسمی انتخاب نگردد که به شرکت یا مؤسسه دیگری تعلق داشته باشد.

اسم شرکت ممکن است باموضوع شرکت متناسب باشد و نیز ممکن است که تناسبی هم نداشته باشد مثل اینکه شرکتی برای استخراج ذغال سنگ تاسیس شود موسوم بشرکت سهامی استخراج ذغال سنگ یا با اسم دیگری موسوم گردد مثلاً شرکت سهامی شمشک یا شرکت سهامی طهران وغیره.

در شرکتهای سهامی دو موضوع حائز اهمیت فوق العاده بوده و در اطراف آنها باید بیشتر مطالعه شود و آن دو موضوع عبارت است از:

۱- سهام  
۲- حدود مسئولیت صاحبان سهام  
سهام - بطوری که از تعریف شرکتهای سهامی استنباط میشود سرمایه شرکت مزبور مرکب از یکمده سهامی است که دارای قیمت بوده و پرداخت قیمت مزبور بعهده دارندگان سهام میباشد.

مثلاً اگر فرض کنیم که شرکت سهامی با سرمایه صد هزار ریال هر سهمی هزار ریال تأسیس گردیده می بینیم که سرمایه صد هزار ریالی شرکت بصدد قسمت مساوی تقسیم و هر قسمت با-م سهم نامیده شده است.

در این مورد بخصوص هر سهمی هزار ریال قیمت دارد (سهم مزبور عبارت از یک ورقه چایی است که متضمن اسم شرکت قیمت اسمی ورقه مزبور و بعضی مطالب دیگر می باشد)

است که شرکت مزبور عبارت است از مزاج اختیاری یا قبول مالی مشاعاً در ازاء عمل چند نفر.

شرکت فهری طبق ماده ۵۷۴ قانون مدنی عبارت از اجتماع حقوق مالکینی است که در نتیجه امتزاج یا ارت حاصل میشود.

شرکت تجارتي بطورکلی در نتیجه عقدی ایجاد میشود بنا براین تمام شرایط اساسی صحت عقود در عقد شرکت لازم الرعایه خواهد بود یعنی شرکاء باید قصد وقوع عقد و اهلیت داشته و همچنین مرام شرکت نیز برخلاف مقررات قوانین جاریه نباشد وسایر شروط که بحث در آنها از موضوع درس ما خارج است.

### انقسام مختلفه شرکت های تجارتي و قواعد راجحه بانها

طبق ماده ۲۰ قانون تجارت شرکت های تجارتي بر هفت قسم است.

- ۱- شرکت سهامی
- ۲- شرکت با-م اولیت محدود.
- ۳- شرکت تضامنی.
- ۴- شرکت مختلط غیرسهامی.
- ۵- شرکت مختلط سهامی.
- ۶- شرکت نسبی.
- ۷- شرکت تعاونی تولید و مصرف.

### ۱- شرکت های سهامی

ماده ۲۱ قانون تجارت شرکت سهامی را باین نحو تعریف نموده است که شرکت سهامی شرکتی است که برای امور تجارتي تشکیل و سرمایه آن بشهم تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود بشهم آنها است طبق ماده ۲۲ در اسم شرکت سهامی نام هیچیک از شرکاء قید نخواهد شد در اسم شرکت باید کلمه سهامی قید شود. از مفاد ماده مزبور چنین استفاده میشود که شرکت سهامی را میتوان با قید کلمه سهامی بهر اسمی نامید مگر اسم هر يك از شرکاء چه اگر نام یکی از شرکاء در اسم شرکت ذکر شود شرکت در واقع بنام

حال شرکاء هر کدام يك-دو- سه یا هر چند دوره که مایل باشند از اوراق چاپی مزبور که باسم سهام نامیده شده خریداری نموده و وجه آنها نقداً بصندوق شرکت کارسازی می نمایند یا اینکه پرداخت قیمت اسمی آنها را در مقابل شرکت تعهد میکنند و باین وسیله سرمایه صد هزار ریال شرکت از طرف شرکاء یا کلاً تادیه و پرداخته میشود یا آنکه مقداری از آن تادیه و بقیه تعهد میگردد

طبق ماده ۲۳ سهام ممکن است با اسم یا بی اسم باشد در سهام با اسم اسم دارنده سهم در دفتر شرکت ثبت میشود و در این صورت دارنده سهم مزبور حق حضور در مجمع عمومی شرکت سهامی را خواهد داشت و در حقیقت دارای کایه حقوقات يك شريك است و طبق ماده ۲۵ انتقال سهم مزبور نیز باید در دفتر شرکت که برای اینکار تهیه شده وارد شود و صاحب سهم مزبور باید صحت انتقال را در دفتر مزبور شخصاً و یا توسط وکیل تصدیق و امضاء نماید و اساسنامه بعضی شرکتها انتقال سهام با اسم را منوط بتصویب هیئت مدیره دانسته و این عمل با قانون منافاتی ندارد

سهام بی اسم عبارت از سهامی است که اسم دارنده آنها در دفتر شرکت ثبت نمیرسد و انتقال آنها هم به قبض و اقباض عمل میاید یعنی شخصی که سهم بی اسمی در دست داشته باشد مالك آن شناخته خواهد شد دارنده سهام بی اسم حق حضور در مجامع عمومی و حق انتفاع از منافع شرکت سهامی نسبت بسهم خود را دارا میباشد و طبق ماده ۲۴ سهام بی اسم بصورت سند در وجه حامل مرتب و دارنده آن مالك شناخته میشود مگر اینکه خلاف آن قانوناً ثابت گردد

سهام شرکت سهامی ممکن است نقدی باشد یا غیر نقدی یعنی ممکن است در ازای هر سهمی وجه نقد پرداخته و مالك آن گردید یا آنکه در ازای آن بجای وجه نقد چیز دیگری از قبیل کارخانه و امتیاز نامه و غیره داد پیش بینی سهم غیر نقدی در ماده ۲۶ قانون تجارت برای تبعیت از عرف و عادت تجارتهی است زیرا اغلب

اتفاق میافتد که اشخاص مالك اموالی از قبیل امتیازات یا ماشین آلات صنعتی میباشد ولی چون برای استفاده از آنها محتاج بسرمایه نقدی هستند شرکت سهامی تاسیس و اموال خود را بشرکت مزبور انتقال میدهند و شرکت بجای پرداخت وجه نقد از بابت قیمت اموال مذکور سهام تادیه شده بمالكین مزبور میدهد

بنا بر این سرمایه شرکت مرکب خواهد بود از وجوه نقدینه و اموال دیگری غیر از وجوه نقدینه مبلغی که از بابت اموال غیر نقدی در سرمایه شرکت محسوب میگردد همان قیمتی است که شرکت بوسیله سهام بمالك آنها پرداخته است

حال اگر شیئی غیر نقدی که در ازاء قیمت سهم بشرکت داده شده است امتیاز نامه باشد چون امتیاز نامها بطور کلی برای مدت معینی اعطاء میشود باید همه ساله در موقع تنظیم صورت حساب بیلان شرکت مبلغ متناسبی بادر نظر گرفتن بقیه مدت امتیاز از بابت استهلاك امتیاز نامه از دارائی شرکت کسر نمود و کسری مزبوره را از منافع جبران نمود و نیز اگر یکقسمت از دارائی شرکت مزبور عبارت از ماشین آلات و کارخانه باشد کسر قیمت آنها که در اثر استعمال حاصل میشود باید در صورت حساب سود و زیان سالیانه شرکت منظور شود

شرکت سهامی ممکن است علاوه بر سهام فوق الذکر سهام دیگری نیز انتشار دهد که عبارتند از سهام ممتاز و سهام مؤسسين

سهام ممتاز - در مواقعی که شرکت سهامی احتیاجی بوجوه نقدینه داشته باشد و ضمناً تهیه وجوه مزبوره را از طریق قرضه و وثیقه برفع شرکت نداند در صورتیکه اساس نامه شرکت مزبوره اجازه دهد سهام ممتازهای باریج معینی انتشار میدهند - رجحانی را که سهام مزبور نسبت بسهام دیگر دارد آن است که صاحبان آنها در مقابل سایر دارندگان سهام نسبت بمنافع شرکت بسا هر دوی آنها تقدم دارند ولی منافعی که سهام ممتاز داده میشود همیشه بیک ربح معینی است و بامیزان منافع سالیانه